



## سیاست عملی و فنون حکمرانی امام علی(ع) مطالعه موردی حکومت‌مندی در نامه‌های نهج‌البلاغه

نصرت بامری<sup>۱\*</sup>، مرتضی منشادی<sup>۲</sup> و روح‌اله اسلامی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۷/۱۲

### چکیده

سیاست از دو بخش نظری و عملی تشکیل شده است. در بخش نظری مبانی، مفاهیم، اهداف و روش‌ها و در بخش عملی شیوه اجرا و طراحی و برنامه‌ریزی مورد تأکید است. حکومت‌مندی به معنای فکر کردن در باب نهادهای حکومتی هر دو جنبه را مورد تأکید قرار می‌دهد. این مقاله می‌کوشد با تفسیر نامه‌های نهج‌البلاغه به تبیین موضوع حکومت‌مندی از زاویه دید امام علی(ع) بپردازد. علی(ع) نامه‌ها را زمانی نوشته است که در رأس هرم حاکمیت قرار داشته و بر همین اساس با توجه به آرمان‌ها و اهداف حکومت اسلامی، فئونی عملی جهت تدبیر عرصه عمومی به وجود آورده است. در این پژوهش حکومت‌مندی را با سه شاخص فنون آرمانی، جایگاهی و غیریت‌ساز مورد بررسی قرار داده‌ایم تا نشان دهیم که در مناسبات قدرت و شبکه جایگاه‌های سیاسی، امام(ع) چه رویه‌های نهادی و عقلانی جهت حل مسائل پیشنهاد داده است. نتیجه پژوهش نشان داد که شیوه حکمرانی امام(ع) دارای فنون، نهادها و رویه‌هایی است که از آن می‌توان به‌عنوان حکومت‌مندی بهره برد.

**کلیدواژه‌ها:** سیاست عملی، فنون حکمرانی، نهج‌البلاغه، امام علی(ع)، نامه‌ها.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی، مشهد.

۲. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی، مشهد.

۳. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی، مشهد.

\*: نویسنده مسئول

### ۱. مقدمه

سیاست علم مطالعه قدرت است و بازیگرانی که بتوانند در اندیشه و کنش در مورد تولید و توزیع متعادل در جامعه فئونی داشته باشند درجاتی از تمدن برخوردارند. تمدن به معنای توافق بر سر توزیع قدرت در جامعه است و تا زمانی که فئونی برای آن اندیشیده نشود نتیجه‌ای حاصل نمی‌گردد. شیعیان با محوریت امام علی (ع) و کتاب نهج‌البلاغه گزاره‌های کاربردی در مورد فنون حکمرانی دارند. در این نوشتار پرسش اصلی چنین است آیا امام علی(ع) اندیشمند و سیاست‌مداری آرمان‌گرا بود که نتوانست تشکیل حکومت دهد؟ آیا شیوه حکمرانی امام دارای فنون، نهادها و رویه‌ها ایست که می‌توان به عنوان حکومت‌مندی از آن بهره گرفت؟ سیاست عملی و فنون حکمرانی، اتخاذ شیوه‌های مناسب برای اداره جامعه است (های، ۱۳۹۲: ۱۱۹). مکاتب مختلف با توجه به اصول و مبانی خود برای حکمرانی فئونی را پیشنهاد می‌کنند که این فنون نتیجه شیوه‌های عملی فکر کردن در باب قدرت هستند و احتمالاً در شرایط اجرا دگرگون می‌شوند. بنابراین سیاستمداران و بازیگران صحنه سیاست که بیشتر به ابزار قدرت و چگونگی کاربرد آن‌ها در عمل تأکید می‌کنند؛ با تفسیر مبانی و اصول مکتب خود این فنون و شیوه‌ها را استخراج می‌کنند. سیاست را اگر شعار فرض کنیم تنها به تعیین اهداف بسنده خواهیم کرد. اندیشه‌های پیچیده سیاسی که قابلیت ماندگاری پیدا کرده‌اند آن‌ها هستند که مسأله‌ای را مورد شناسایی قرار داده‌اند و برای حل کردن آن مکانیسمی طراحی کرده‌اند. مثلاً از بین بردن فقر، ایجاد صلح، کاستن از خشونت شعارهای نیک عرصه سیاسی است؛ اما این که کدام مکانیسم‌ها توانایی رسیدن به اهداف را میسر می‌سازد مهم است. مثلاً برای رسیدن به صلح تاکنون دو مکانیسم موازنه قوا در مکتب واقع‌گرایی و سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی در مکتب آرمان‌گرایی ایجاد شده است.

### ۱-۱. بیان مسئله

اسلام به‌عنوان دین و مکتب، اصولی را برای سیاست ارائه می‌دهد. همچنین پیامبر اسلام(ص) اسوه حسنه مسلمانان است (احزاب/۳۱)؛ و شیوه حکومت پیامبر(ص) الگوی جانشینان حضرتش بوده است. از این جنبه؛ حکومت خلفای راشدین نیز به‌عنوان الگوی آرمانی حکومت توسط اکثریت مسلمانان پذیرفته شده است (موسوی، ۱۳۸۴: ۲۰-۲۲). در این میان شیعیان با وارد کردن انتقاداتی به حکومت سه خلیفه اول، حکومت خلیفه چهارم را الگوی آرمانی حکومت اسلامی می‌دانند؛ اما اندیشمندانی که اندیشه سیاسی در اسلام را ارائه داده‌اند، اغلب آن را آرمانی کرده‌اند، که می‌توان آنها را در قالب شریعت‌نامه جای داد؛ و اندیشه سیاسی شیعه با توجه به این که در ابتدای پیدایش از امر سیاسی دور بوده و همچنین عمر کوتاه حکومت امام علی(ع) و شهادت ایشان با این کلیشه روبه‌رو است که وجهی آرمانی دارد و همیشه تنها به نقد یا تقیه پرداخته است. در واقع شریعت‌نامه نویسی شیعی دارای صورت‌های معرفتی است که در آن وجوه کاربردی برای امر سیاسی ندارد. بر این اساس اندیشه سیاسی شیعه عاری از فنون و تکنولوژی‌های قدرت در جهان واقعی سیاست می‌باشد، برخی معتقدند که شیعیان به‌دلیل اعتقاد به انسان و جامعه آرمانی

فاقد الگوی عملی برای حکومت و اداره زندگی روزمره مردم و جامعه می‌باشند. به نظر می‌رسد این دیدگاه قابل نقض است. زیرا امام اول شیعیان، علاوه بر تأکید بر اصول و مبانی اسلام به‌عنوان مکتب، در جایگاه سیاست‌مدار هم قرار گرفت و اعمال قدرت کرد. بنابراین فنون حکومت و سیاست عملی را می‌توان در مدت زمامداری ایشان مورد بررسی قرار داد.

نهج‌البلاغه بیانیه حکومتی شیعیان نیز به‌حساب می‌آید. این کتاب از سه بخش خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار تشکیل شده است و نگارش نامه‌های امام علی(ع) در وضعیت تسلط ایشان به قدرت سیاسی و اداره جامعه و توجه به امر سیاسی و سیاست صورت گرفته است. این نامه‌ها مشتمل بر فنون حکمرانی در دنیای سرشار از رقابت سیاسی است و فرضیه‌های رقیب را رد می‌کند. این پژوهش قصد دارد با استفاده از تکنولوژی‌های قدرت که جنبه‌های اجرایی و به‌گونه‌ای سیاست در عمل محسوب می‌شود به واکاوی متن نامه‌های نهج‌البلاغه بپردازد. برای این منظور فنون و چگونگی اعمال قدرت در حوزه‌های مختلف سیاست از جمله؛ چگونگی رفتار با کارگزاران حکومت، شیوه تنظیم بیت‌المال (اقتصاد)، چگونگی رفتار با توده مردم، جایگاه و نقش نظامیان و سپاهی‌گری در حکومت و مواجهه با رقیب مورد بررسی قرار گرفته است. این فنون را می‌توان به سه گونه: آرمانی، فنون غیریت‌ساز و فنون جایگاهی تقسیم‌بندی کرد.

## ۱-۲. پیشینه پژوهش

پیشینه این پژوهش را می‌توان به سه گروه تقسیم‌بندی کرد؛ گروه اول؛ اندیشمندان سکولاری که معتقدند اسلام نظری در مورد سیاست ندارد و علی(ع) هیچ‌گونه شیوه حکومتی‌ای ارائه نداده است (حائری یزدی، ۱۹۹۵) و (عبدالرزاق، ۱۹۶۶). گروه دوم اندیشمندان نواندیشی که معتقدند برای علی(ع) آن چه اهمیت دارد آزادی است و چون مردم به ایشان رجوع کردند و ضرورت ایجاد می‌کرد ایشان تشکیل حکومت دادند (سروش، ۱۳۷۹) و (بازرگان، ۱۳۷۷). گروه سوم اندیشمندان شریعت‌مداری که ولایت و جانشینی علی(ع) بعد از پیامبر(ص) را مطرح می‌کنند و آن را اثبات می‌کنند (صدر، ۱۳۵۳) و (مصباح یزدی، ۱۳۹۳) و (جوادی آملی، ۱۳۶۷). تفاوت کار این اندیشمندان با نویسنده در این است که آنها فقط مسأله حقانیت حکومت علی(ع) را بر اساس اصول اسلام رد یا اثبات کرده‌اند اما وارد جزئیات فنون حکمرانی ایشان نشده‌اند؛ اما این پژوهش حکومت علی(ع) و فنون حکمرانی ایشان را مورد بررسی قرار می‌دهد.

جدول ۱: پیشینه پژوهش

رویکرد	دال مرکزی	شیوه استدلال	رشته مورد بررسی
سکولارها	آرمانگرا	علی(ع) هیچ‌گونه شیوه حکومتی‌ای ندارد	روشنفکری
نواندیشان	آزادی	برای علی(ع) آنچه اهمیت دارد آزادی است، حکومت فقط در صورت ضرورت	روشنفکری دینی
شریعت‌مداران	ولایت	حکومت برای علی(ع) اهم موارد است	کلامی
این پژوهش	حکومت‌مندی	تکنولوژی‌های قدرت، فنون عملی حکمرانی	سیاست عملی

### ۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

این نوشتار به لحاظ چارچوب تئوریک از روش فنون قدرت در حکومت‌مندی استفاده می‌کند. حکومت‌مندی شیوه‌های عملی فکر کردن در باب قدرت است، به‌گونه‌ای که بر اعمال و محدود کردن قدرت تأکید می‌شود. بر اساس حکومت‌مندی متافیزیکی شیوه‌های عملی قدرت اغلب کیفی و اندرزی است و شیوه‌های مکانیکی و فیزیکی قدرت اغلب بوروکراتیک است (اسلامی، ۱۳۹۲: ۵).

حکومت‌مندی یعنی اندیشیدن اجرایی، نهادی و خرد تکنیکی در مورد حکومت که این رویه از شکل آرمان‌اندیشی شعارگونه فاصله دارد. عقلانیت حکومت و ذهنیت حکمرانی که در آن از تکنولوژی‌ها و فنون مدیریت بر جمعیت صحبت می‌گردد. این تکنولوژی‌ها لزوماً تجمیع یافته در دولت نیستند بلکه ارتباط زیادی میان سامانه‌های معرفتی و صورت‌های روانی قدرت وجود دارد. هم قدرت دانش تولید می‌کند و هم دانش توانایی مشروعیت‌بخشی و تداوم کارکردی قدرت را شکل می‌دهد. روابط پیچیده شبکه‌ها، تورها، نهادهای، سامانه‌های معرفتی به‌نحوی زیربنایی است که قدرت را در سطوح ریز و روزمره مورد واکاوی قرار می‌دهد (فوکو، ۱۳۹۱: ۲۶۱).

حکومت‌مندی به چند دلیل در بررسی سازوکار قدرت و تحلیل مناسبات سیاسی نهج‌البلاغه کاربرد دارد. اول این که قدرت در اندیشه سیاسی علی(ع) پدیداری مذهبی، اخلاقی و متافیزیکی دارد. دولت عینی و اجرایی نیست بلکه دارای غایت‌های متافیزیکی است که در نهایت حکومت‌مندی را به سمت کیفیت رهبری و صفات حکمران سوق می‌دهد. دوم این که سیاست را در جایگاه‌ها و مناصب مورد بررسی قرار می‌دهد این که چه رویه‌هایی از خرد سیاسی باید مورد توجه قرار گیرد و علی(ع) در زمان حکمرانی کوتاه جایگاه‌های مختلف را به سنت خاص سیاسی هدایت می‌ساختند. در نهایت فرق این حکومت‌مندی و شاکله‌دار کردن قدرت با قدرت‌مندترین رقیب یعنی معاویه چگونه تحلیل می‌گردد که با استفاده از غایت‌های آرمان‌گرا و واقع‌گرای قدرت شبنانی قابل تحلیل است. در این نوشتار با استفاده از ادبیات تئوریک و چارچوب حکومت‌مندی فنون مندرج در نامه‌های امام را در سه قالب فنون مطلوب، فنون غیریت‌ساز و فنون جایگاهی بررسی می‌کنیم.

**۱. فنون مطلوب:** فنون و شیوه‌های اجرایی سیاست و اداره امور عمومی است که علی(ع) در نامه خود به مالک اشتر ارسال می‌کند. مالک برای علی(ع) کارگزاری آرمانی است و اغلب فنون خودی و تکنیک‌های متعالی امر سیاسی در خطاب به او صادر می‌شود.

**۲. فنون غیریت‌ساز:** منظور مجموعه فنون و شیوه‌های حکمرانی است که معاویه به‌عنوان اصلی‌ترین و درعین‌حال سرسخت‌ترین دشمن علی(ع) دنبال می‌کند. سایه معاویه و مجموعه اقدام‌های او در اغلب نوشته‌های علی(ع) دیده می‌شود. علی(ع) سعی دارند در نامه‌های خود خطاب به معاویه فنون او را شالوده‌شکنی کرده و رویه خود را که روبه‌روی او تعریف می‌شود مشخص سازد.

۳. فنون جایگاهی: برخی از نامه‌های امام علی(ع)، در خطاب به قضات، نظامیان، دبیران، سفراء، امرا و غیره صادر شده است. این نامه‌ها شیوه‌های قدرت عملیاتی و اجرایی را بیان می‌کند که غایت عدالت، اخلاق و فضیلت را به صورت جایگاهی و موقعیتی ترسیم می‌کند.

## ۲. بحث

### ۲-۱. فنون حکمرانی مطلوب

علی(ع) در اکثر نامه‌هایی که برای کارگزاران خود می‌فرستد، به فنونی کاربردی و عینی برای حکمرانی تأکید می‌کند اما در کنار این فنون صفاتی را نیز برمی‌شمارد که برای کارآمد کردن حکمرانی بسیار مفید است. بنابراین می‌توان فنون حکمرانی مطلوب را به دو دسته کیفی یا اخلاقی و مدیریتی یا کاربردی دسته‌بندی کرد.

#### ۲-۱-۱. ویژگی‌های کیفی یا اخلاقی حکمرانی

یکی از پرسش‌های بنیادی در فهم و تحلیل سیاست عملی این است که «آیا قدرتمند را می‌توان به پاسخ‌گو بودن واداشت» (های، ۱۳۹۲: ۲۷۲). علی(ع) در فنون حکمرانی خود به این پرسش پاسخ مثبت می‌دهد؛ اندرزه‌های اخلاقی امام به والی خود جهت توجه دادن به خدا و آخرت است تا والی با وجدانی بیدار تمام سعی خود را برای انجام هر چه بهتر مسؤلیت خود که خدمت به مردم و آبادانی است به کار گیرد. به بیانی دیگر این اندرزه‌ها در کنار ضمانت اجرای حقوقی و عینی به‌عنوان ضمانت اجرایی درونی، حکمران را متوجه مسؤلیت خویش می‌سازند. که از جمله آن:

#### ۲-۱-۱-۲. ایمان و تقوا

ایمان و تقوا ضمانت اجرایی هستند که از درون فرد را کنترل می‌کنند و فرد را از انجام کارهای خطا باز می‌دارد. فرد مؤمن و متقی هم در شرایط سخت و هم در شرایط سهل و آسان روحیه خود را نباخته و با وقار و اطمینان خاطر کار را ادامه می‌دهد (رشید گزکوه، ۱۳۸۰: ۳۳). تقوا از چنان اهمیتی نزد امام برخوردار است که در بخش آغازین نامه خود به مالک اشتر، بلافاصله بعد از این که از خداوند رحمان و رحیم کمک می‌طلبد؛ «او را به تقوای الهی فرمان می‌دهد» (نامه/۵۳).

#### ۲-۱-۱-۲. پرهیز از تصمیم‌گیری در هنگام خشم

مفسران و محققان مسلمان با استناد به آیات و روایات، تصمیم‌گیری به هنگام غضب را نادرست می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۱۴۵-۱۴۶)، در مدیریت و حکمرانی علوی نیز شتاب‌زدگی به‌خصوص در هنگام خشم، کاری بی‌جاست. درحالی که قرار گرفتن در مقام قدرت، این امکان را برای زمامداران فراهم می‌کند که خیلی سریع در دام خشم بیافتند و در اداره امور تندی کنند، فرمان علی(ع) این نکته را بیان می‌کند که حکمران در ارتباط با مردم حتی‌الامکان باید راه مدارا را در پیش بگیرد و در مواقع خشم بر تمامی رفتاراش کنترل داشته باشد. «به هنگام خشم، خویش‌دار باش و از تندی و تیزی خود و قدرت دست و خشونت

زبانت بکاه و برای پرهیز از این امور از انجام کارهای شتابزده و سخنان ناسنجیده و اقدام به مجازات، برحذر باش تا خشم تو فرو نشیند و مالک خویشتن گردی» (نامه/۵۳).

### ۲-۱-۲. فنون کاربردی یا مدیریتی

فنون کاربردی و مدیریتی روش‌هایی هستند که در سیاست و اداره امور عمومی، به‌صورت عملی و واقع‌گرایانه به کار گرفته می‌شوند و به‌صورت کمی و عینی قابل بررسی و ارزیابی هستند. در این جا چند نمونه از این فنون را که علی(ع) دستور به اجرای آن‌ها داده، ذکر می‌کنیم:

#### ۲-۱-۲-۱. تقسیم‌بندی اقشار اجتماعی بر اساس کار و مسئولیت

علی(ع) در بخشی از عهدنامه خود مردمی را که در یک جامعه زندگی می‌کنند به هفت طبقه یا هفت قشر تقسیم می‌کند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۹۰: ۴۴۶/۱۱-۴۴۷)؛ که شامل: «لشکریان، نویسندگان عمومی و خصوصی، قضات عادل و دادگستر، عاملان انصاف و مدارا، اهل جزیه و خراج، تاجران و صنعت‌گران، نیازمندان و محرومان» می‌باشند و تأکید می‌کند که: «و خداوند برای هر کدام از این گروه‌ها سهمی مقرر داشته و در کتاب خود یا سنت پیامبر(ص) وظیفه جداگانه‌ای تعیین کرده که به‌صورت عهدی از سوی او در نزد ما محفوظ است» (نامه/۵۳).

#### ۲-۱-۲-۳. کنترل و نظارت

همان‌گونه که قبلاً هم ذکر شد، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گو بودن قدرتمندان، یکی از محورهای اساسی سیاست عملی است؛ در این راستا نظارت بر اعمال کارگزاران حکومتی یکی از شیوه‌ها و ابزارهای پاسخ‌گو بودن به شمار می‌آید (دلشادتهرانی، ۱۳۸۷: ۴۳۸). فنون حکمرانی علی(ع) امانت‌داری و خدمت‌گذاری است و زمانی این امر به‌طور همه‌جانبه تحقق می‌یابد که نظارتی دقیق وجود داشته باشد. بنابراین علی(ع) علاوه بر تأکیدی که در بیداری و تقویت ناظر درونی کارگزارانش دارد، نظارت بیرونی را نیز به‌طور دقیق انجام می‌داد. زمانی که کارگزاران فلسفه وجودی دستگاه اداری و جایگاه خود در خدمت‌گذاری به مردم و امانت‌داری را فراموش کنند، خود را حاکم بر مردمان و مسلط بر اموال و حیثیت ایشان می‌بینند و امکان هرگونه فساد و ستم وجود دارد (دلشاد تهران، ۱۳۸۷: ۴۴۲-۴۴۶).

علی(ع) به یکی از کارگزارانش که گزارش نادرست داده بود، هشدار می‌دهد که اگر گزارش خیانتش به دست علی(ع) برسد؛ برخورد سختی با او می‌کند «اگر به من گزارش رسد که از بیت‌المال مسلمین چیزی کم یا زیاد به خیانت برداشته‌ای آن‌چنان بر تو سخت می‌گیرم که در زندگی تو را کم‌بهره، سنگین‌بار و حقیر و ذلیل سازد» (نامه/۲۰). در نامه‌ای دیگر بعد از آگاه کردن کارگزارش از عواقب اشتباهش از او می‌خواهد تا گزارش حسابش را بفرستد تا به‌طور دقیق در مورد او تصمیم‌گیری کند: «کاری از تو به من گزارش داده شده که اگر انجام داده باشی پروردگارت را به خشم آورده‌ای و پیشوایت را عصیان کرده‌ای و امانت خود را به‌رسوایی کشیده‌ای و خود را به سبب خیانت رسوا و ننگین ساخته‌ای، بنابراین حساب خویش را برای من بفرست و بدان که حساب خداوند از حساب مردم (در قیامت) سخت‌تر و برتر است» (نامه/۴۲).

**۲-۱-۴. پرهیز از استبداد**

در شیوه حکمرانی علی(ع) هیچ‌گونه خودکامگی راه ندارد و زمامداران و کارگزاران، امین و پاسدار حقوق مردمان و در برابر آنان مسئول و پاسخ‌گو هستند. علی(ع) سه پیامد خطرناک برای خودبزرگ‌بینی و استبداد ذکر می‌کند: «تخت این‌که فکر انسان را فاسد می‌کند و حقایق را آن‌گونه که هست نمی‌بیند و تصمیمات نابخردانه و غیرعادلانه می‌گیرد. دیگر این‌که انسان را گرفتار انواع معاصی و گناهان و ظلم و ستم می‌سازد و دین او را تضعیف می‌کند. سوم این‌که چنین حالتی سبب تغییرات و دگرگونی‌ها در رابطه حکومت با مردم می‌شود» (نامه/۵۳).

**۲-۱-۵. وفای به عهد و پیمان**

از اصلی‌ترین امور حکومتی و مدیریتی پایبندی به عهد و پیمان است؛ زیرا اساس روابط انسانی و مناسبات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منوط به پایبندی به آنهاست و در صورت تزلزل آن‌ها همه‌چیز متزلزل و غیرقابل‌اعتماد می‌شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸: ۶۲۹). در نظر علی(ع) در حکومت و مدیریت هیچ‌چیز جایگزین وفاداری و پایبندی به عهد و پیمان نمی‌شود و هیچ‌چیز مثل آن از حکومت‌ها پاسداری نمی‌کند (خطبه/۴۱). او در بخشی از نامه خود به مالک تأکید می‌کند که حتی به پیمان‌ش با دشمن هم تا پای جان وفادار باشد؛ «اگر پیمانی میان خود و دشمن بستنی یا او را پناه دادی به عهدت وفا کن و قرارداد خود را محترم بشمار و جان خویش را در برابر تعهدات سپر قرار بده؛ و اهمیت این موضوع را اولاً بزرگی و فریضه بودن آن می‌داند و ثانیاً مراعات عهد و پیمان توسط مشرکین در زمان جاهلیت؛ به دلیل آشنایی با عواقب دردناک پیمان‌شکنی می‌داند؛ و در ادامه، شدیداً از پیمان‌شکنی نهی می‌کند: «بنابراین هرگز پیمان‌شکنی نکن و در عهد و پیمان خود خیانت روا مدار و دشمنت را فریب نده، زیرا هیچ‌کس جز شخص جاهل و شقی چنین گستاخی را در برابر خداوند روا نمی‌دارد» (نامه/۵۳).

**۲-۱-۶. فنون حکومت‌مندی مردمی**

برخی از فنونی که علی(ع) دستور اجرای آن‌ها را داده است، خاص مردم و در ارتباط مستقیم با مردم است. از جمله:

**۲-۱-۶-۱. جلب افکار عمومی**

لازمه حکمرانی مردمی توجه به نظر مردم است. آگاهی از نظرهای گوناگون و توجه داشتن به آن‌ها، زمامداران و مدیران را با تقاضاهای مردم آشنا می‌کند تا بتوانند ضعف و کاستی‌ها را به موقع دریابند و اصلاح کنند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸: ۱۱۴). امروزه توجه به افکار عمومی مسئله‌ای بسیار جدی در حکمرانی برای سیاست‌مداران و مدیران است؛ اما در گذشته فرمانروایان کمتر به آن توجه می‌کردند اما علی(ع) در حکومت خود به موضوع افکار عمومی پرداخته و جلب رضایت مردم را بسیار مهم شمرده است؛ «مردم به کارهای تو همان‌گونه نظر می‌کنند که تو در امور زمامداران پیش از خود نظر می‌کردی و همان را درباره تو خواهند گفت که تو درباره آن‌ها می‌گفتی و (بدان) افراد صالح را به آن‌چه خداوند بر زبان بندگانش جاری می‌سازد می‌توان شناخت» (نامه/۵۳). در بخشی دیگر از نامه «به حکمرانش سفارش می‌کند که به

اموری بپردازد و علاقه نشان دهد که در جهت رعایت حق از همه کامل تر و از نظر عدالت شامل تر و از نظر رضایت عمومی مردم جامع تر باشد، زیرا خشم توده مردم خشنودی خواص (اقلیت پرتوقع) را بی اثر می کند و ناخشنودی خاصان با رضایت عامه مردم قابل جبران است» (نامه/۵۳).

#### ۲-۱-۶-۲. رعایت حقوق مردم

علی(ع) نسبت به رعایت حقوق مردم بسیار حساس بود و پیوسته تلاش می کرد که از کوچک ترین ستم و تجاوزی به حقوق انسان ها، چه مسلمان و چه غیرمسلمانی که در پیمان ایشان هستند جلوگیری کند و راه و رسم انسانیت را به همگان بیاموزد؛ و مهم تر این که همیشه برای آگاه ساختن مردم از حقوق خودشان تلاش می کرد (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸: ۱۵۲). به عنوان مثال در یکی از خطبه ها به صراحت بیان می کند: «از میان حقوقی که خداوند واجب ساخته، بزرگ ترین آنها حق والی و زمامدار بر رعیت و حق رعیت بر والی است. فریضه ای است که خداوند سبحان آن را بر هر کدام در مقابل دیگری قرار داده است». سپس به فلسفه این دو حق می پردازد: «خداوند این فریضه را قرار داده است تا باعث الفت مردم و پیوستگی آنان به یکدیگر و موجب عزت و قدرت دین آنها شود؛ بنابراین مردم هرگز اصلاح نمی شود مگر با اصلاح زمامداران اصلاح نمی شوند جز از طریق قرار گرفتن مردم در مسیر صحیح و مستقیم» (خطبه/۲۱۶).

علی(ع) در شرح آثار منفی و مثبت ادای حق والی نسبت به رعیت و حق رعیت نسبت به والی و عدم ادای آنها تصریح می کند: «هرگاه مردم حق حکمران را ادا کند و حکمران حق مردم را بپردازد، حق در میان آنها قوی و نیرومند می شود، مسیرهای دین خالی از انحراف می شود، نشانه های عدالت استوار می شود و سنت ها در مجرای صحیح خودش به کار می افتد و به این ترتیب امور رو به صلاح می رود و مردم به بقای دولت امیدوار و دشمنان مأیوس می شوند. اگر مردم علیه حکمران عادل خود شورش کند و چیره گردد، یا حکمران نسبت به مردم اجحاف کند نظام جامعه به هم می ریزد و در آن زمان اختلاف پیدا می شود، نشانه های ظلم و ستم آشکار می گردد، فریبکاری و بدعت در دین زیاد می شود و سنت ها و آداب دینی بلااستفاده می مانند و در نتیجه بر طبق هوا و هوس عمل می شود، احکام الهی تعطیل می گردد و بیماری های اخلاقی زیاد می شود» و نتیجه چنین وضعی را این طور توصیف می کند: «در چنین حکومتی مردم از حقوق مهمی که تعطیل شده و از باطل های عظیمی که رواج یافته وحشت نمی کنند، در نتیجه نیکان خوار و ذلیل می شوند و اشرار عزیز و محترم و به دنبال آن مجازات های الهی بر بندگان عظیم خواهد بود» (خطبه/۲۱۶).

#### ۲-۱-۶-۳. دموکرات بودن حکمران

رسول خدا(ص) در مدیریت جامعه خود، ارتباط مستقیمش را با مردم حفظ می کرد و به هیچ عنوان از آنان فاصله نمی گرفت و مردم به راحتی می توانستند با او سخن بگویند و نظر بدهند و پیوسته از آن چه میان مردم می گذشت کسب اطلاع می کرد و از مسائل و مشکلات مردم آگاهی کامل داشت (سنن ابن داوود، ۵۲۷/۲، به نقل از دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸: ۵۸۰). شیوه حکومتی علی(ع) نیز این گونه بود؛ ایشان در بخشی از نامه خود به مالک، درباره لزوم رابطه نزدیک میان والی و توده های مردم سخن می گوید و معایب دور



ماندن از آنها را شرح می‌دهد و با دلایل مختلف روشن می‌سازد که نباید والی خود را از مردم جدا و دور کند و اگر شرایطی به وجود آمد که مجبور به این کار شد، نباید این دوری و جدایی خیلی طولانی شود: «و اما بعد، هیچ‌گاه خود را در زمانی طولانی از رعایا پنهان مدار، زیرا پنهان ماندن زمامداران از چشم رعایا موجب نوعی کم‌اطلاعی نسبت به امور (مردم و کشور) می‌شود و آن‌ها را از آنچه نسبت به آن پنهان مانده‌اند بی‌خبر می‌سازد در نتیجه مسائل بزرگ نزد آنان کوچک و امور کوچک در نظر آن‌ها بزرگ می‌شود، کار خوب، زشت جلوه می‌کند و کار زشت، خوب؛ و حق و باطل با یکدیگر آمیخته می‌شود. بسیاری از حوایج مردم نزد تو، هزینه‌ای برای تو ندارد؛ مانند شکایت از ستمی یا درخواست انصاف در داد و ستدی» (نامه ۵۳)؛ بنابراین دلیلی ندارد که حکمران خود را از مردم دور نگه دارد.

### ۳. فنون جایگاهی

برخی نامه‌های علی(ع)، در خطاب به نظامیان، قضات، دبیران، سفراء، امرا و غیره صادر شده است. این نامه‌ها دارای شیوه‌های قدرت عملیاتی و اجرایی است که غایت عدالت، اخلاق و فضیلت را به صورت جایگاهی و موقعیتی ترسیم می‌کند.

#### ۳-۱. نظامیان

علی(ع) در نامه‌ی خود به مالک بعد از این که مردم را به طبقات مختلف تقسیم‌بندی می‌کند، وظایف هر یک را شرح می‌دهد و از آن‌جا که نیروی نظامی و انتظامی مهم‌ترین رکن جامعه برای مسئله مهمی چون امنیت است از آن شروع می‌کند و در توصیف آنان می‌نویسد: «سپاهیان پناهگاه‌های مردم و زینت زمامداران و عزت دین و راه‌های امنیت‌اند و قوام مردم جز به وسیله آن‌ها ممکن نیست» (نامه ۵۳). این توصیف را می‌توان در چند محور توضیح داد؛ اول این که «آن‌ها دژهای مردم هستند.» اشاره به این مهم دارد که برای محفوظ ماندن از دشمن و خطرات آن، لشکر مقتدر پناهگاهی مطمئن است. دوم اینکه آنان را «زینت زمامداران می‌شمارد»، زیرا زمامداری در نظر مردم محترم است که صاحب قدرت و نفوذ باشد و قدرت و نفوذ در درجه اول از طریق لشکری نیرومند و تحت فرمان به دست می‌آید و سوم این که لشکر نیرومند را «سبب عزت و قدرت دین می‌شمارد»، اشاره به این دارد که امور معنوی مردم هم با وجود ارتشی نیرومند سامان می‌یابد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۴۵۳/۱۰-۴۵۴).

#### ۳-۱-۱. گزینش نظامیان

علی(ع) بر دقت در گزینش دو گروه، تأکید بیشتری دارد؛ که یکی از آن‌ها، فرماندهانی هستند که با مردم سروکار دارند و به دلیل قدرت، امکان سوءاستفاده آن‌ها از قدرت، بیشتر است: «از میان سپاه خود، به کسی را مسئولیت بده که خیرخواهی او برای خدا، رسولش و امام خود بیشتر باشد؛ و قلب او پاک‌تر باشد و از جهت بردباری برتر باشد، دیرتر به خشمگین شود و زودتر عذرخواهی را بپذیرد و نسبت به ناتوانان مهربانی نماید و نسبت به قدرتمندان سخت‌گیرتر باشد؛ و کسی باشد که خشونت و تندوی او را تحریک

نکند و ناتوانی، او را زمین گیر نکند» (نامه/۵۳) و در ادامه تأکید می‌کند «فرماندهان را از میان شجاعان، بخشندگان و جوانمردان انتخاب کن. سران سپاه تو، باید کسانی باشند که با سپاه خود دوست باشند و از آن چه دارند، به آنها ببخشند تا همت همگی در جهاد با دشمن، با هماهنگی و وحدت باشد؛ و برای گزینش فرمانده لایق نیز صفاتی را ذکر می‌کند: «به سراغ کسانی برو که دارای شخصیت و اصالت خانوادگی و از خاندان‌های صالح و خوش سابقه و دارای برازندگی و شجاعت و سخاوت و کرم باشند، زیرا آن‌ها کانون کرامت و شاخه‌های نیکی و شایستگی هستند» (نامه/۵۳).

### ۳-۲. قضات

علی(ع) در نامه خود به مالک اشتر، بحث مهمی درباره قضات بیان می‌کند و آن را از بحث‌های دیگر مستقل کرده تا به گونه‌ای اشاره به استقلال قضایی باشد. علاوه بر این ویژگی‌های قضات را بعد از ویژگی‌های فرماندهان لشکر می‌آورد که می‌تواند این پیام را داشته باشد که نظامیان، امنیت کشور را در مقابل دشمنان حکومت و قوه قضائیه آرامش خاطر مردم را در مقابل نزاع‌های داخلی، حفظ می‌کند؛ به عبارت دیگر یکی ضامن امنیت برونی و داخلی و دیگری ضامن آرامش روانی است. «از میان مردم خود برترین فرد را نزد خود برای قضاوت در میان مردم انتخاب کن»؛ این مفهوم را می‌رساند که در مورد قضات باید به سراغ برترین‌ها رفت، چرا که مسأله قضاوت امری بسیار سنگین، حساس و سرنوشت‌ساز است که تنها برترین‌ها می‌توانند آن را سروسامان دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۴۸۶/۱۰-۴۸۷).

علی(ع) دوازده صفت برای قضات برمی‌شمارد، در واقع قصد دارد نشان دهد برترین‌ها چه کسانی هستند و جایگاه و پایگاه آنان در ساختار حکومت کجاست (نامه/۵۳). سپس به ذکر وظایف زمامدار در برابر چنین قضاتی می‌پردازد و سه دستور بسیار مهم درباره آنها صادر می‌کند، اول این‌که؛ «با جدیت هرچه بیشتر داوری‌های او را بررسی کن» دوم: «در پرداخت حقوق او سخاوت داشته باش آن‌چنان‌که نیاز او را از بین ببرد و حاجتی به مردم نداشته باشد (مبادا آلوده به رشوه‌خواری گردد)» و سوم این‌که؛ «از نظر منزلت آن قدر مقامش را نزد خود بالا ببر که هیچ‌یک از اطرافیان نزدیک تو نسبت به نفوذ در او طمع نکند و به این طریق از توطئه و زیان رساندن این‌گونه افراد نزد تو در امان باشد» (نامه/۵۳).

### ۳-۳. منشیان مخصوص و حافظان اسرار

علی(ع) در نامه‌ای که برای مالک اشتر نوشته است، درباره منشیان مخصوص و حافظان قراردادها و نامه‌های سرّی و محرمانه نیز دستورات مهمی صادر می‌کند: از جمله این‌که در اوضاع و احوال آنها دقت کند و کارها را به بهترین آن‌ها بسپارد و بهترین این افراد را کسانی معرفی می‌کند که بیش از همه دارای فضائل اخلاقی هستند و دلیل این همه دقت را این می‌داند که چنین افرادی به اسرار حکومتی دسترسی دارند و ضرورت حفظ این‌گونه اسرار تردیدناپذیر است، سپس علی(ع) فضایل مهم اخلاقی را که باید دبیران مخصوص، واجد آن باشند برمی‌شمارد (نامه/۵۳). بعد از ذکر صفات لازم برای انتخاب دبیران و منشیان مخصوص به شیوه و چگونگی تشخیص این صفات و تحقق آنها در افراد می‌پردازد و راه

شناسایی افراد را با این صفات به مالک نشان می‌دهد و همچنین به دو موضوع مهم دیگر درباره منشیان مخصوص و دبیران اشاره می‌کند: اولی در مورد تقسیم کار در میان آنها است؛ «برای هر بخشی از کارهایت رئیس و سرپرستی از میان آنها انتخاب کن؛ کسی که کار مهم او را خسته و درمانده نکند و زیادی کارها نگرانش نکند» و دوم این‌که: تعیین مسئول برای هر کار، سلب مسؤلیت از تو نمی‌کند؛ تو نیز با آنها مسؤلیت مشترک داری «و (باید بدانی) هر عیبی در منشیان مخصوص تو به‌وجود آید که تو از آن بی‌خبری، نسبت به آن مسئول خواهی بود» (نامه/۵۳).

### ۳-۴. فنون مالی و اقتصادی

علی(ع) به امور معیشت و اقتصاد کشور بسیار توجه داشت به طوری که در نامه به مالک، در نخستین جمله، این موضوع را یادآور می‌شود: «این دستوری است که بنده خدا علی، امیرمؤمنان به مالک بن حارث اشتر در فرمانی که برای او صادر کرده بیان نموده، در آن هنگام که زمامداری مصر را به او سپرد تا حقوق بیت‌المال در آن سرزمین را جمع‌آوری کند و با دشمنان آن‌جا پیکار نماید، به اصلاح اهل آن همت گمارد و به عمران و آبادی شهرها و روستاهای آن بپردازد» (نامه/۵۳).

#### ۳-۴-۱. فن اخذ مالیات

تاریخ مملو از اسنادی است که نشان می‌دهد پادشاهان و حکمرانان گذشته، اکثراً با توسل به زور و بی‌توجهی به شرایط زندگی رعایا، مالیات (ساو، باج) اخذ می‌کردند و معمولاً اعتنایی به مردم کم‌درآمد نداشتند؛ اما علی(ع) در زمینه خراج و مالیات مطالبی را به کارگزاران جمع‌آوری مالیات و به مالک اشتر بیان می‌کند که بسیار حائز اهمیت است: «مسأله خراج و مالیات را دقیقاً تحت نظر بگیر، به گونه‌ای که به صلاح خراج‌دهندگان باشد، زیرا بهبودی و صلاح وضع خراج و بهبودی و صلاح حال خراج‌گزاران سبب بهبودی حال دیگران (و سایر قشرهای جامعه اسلامی) می‌شود و هرگز دیگران به صلاح نمی‌رسند مگر این‌که خراج‌گزاران به صلاح برسند» (نامه/۵۳).

خراج، مطابق آنچه در بسیاری از روایات مربوطه آمده، مال الاجاره زمین‌هایی است که به عموم مسلمانان تعلق دارد و در جنگ‌ها نصیب آنان شده است. ولی از یک نظر سایر مالیات‌های اسلامی را اعم از خمس و زکات و جزیه و مالیاتی که حکومت اسلامی طبق ضرورت بر درآمدها می‌بندد نیز شامل می‌شود. از آن‌جا که همه بخش‌های حکومت اسلامی اعم از دستگاه قضایی، ارتش و سپاه، کارمندان و کارگزاران و جز آن نیاز به منابع مالی دارند و اگر اختلالی در امور مالی حکومت رخ دهد آثار آن در همه بخش‌ها آشکار می‌شود، علی(ع) به صراحت می‌گوید: «تمام مردم وابسته به خراج و خراج‌گزاران هستند» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۱۱/۲۹).

علی(ع) در دستوری به مالک اعلام می‌کند که باید توجه‌اش به عمران و آبادی زمین بیش از توجهش به جمع‌آوری خراج باشد، چون خراج با آبادانی به دست می‌آید و کسی که خراج را بدون عمران و آبادانی بخواهد شهرها را ویران و بندگان خدا را هلاک می‌کند و پایه‌های حکومتش متزلزل می‌شود به گونه‌ای

که بیش از مدت کمی دوام نمی‌آورد؛ «بنابراین اگر مردم از سنگینی خراج و یا آفت‌زدگی یا خشک‌شدن آب چشمه‌ها یا کمی باران و یا تغییر و دگرگونی زمین بر اثر آب‌گرفتگی (و فساد بذرها) یا تشنگی شدید زراعت (و به‌دنبال آن کمبود محصول) به تو شکایت کنند، خراج آن‌ها را به مقداری که امید داری کار آن‌ها را اصلاح کند و بهبود بخشد، تخفیف ده» و به مالک اطمینان می‌دهد که: «هرگز تخفیف هزینه‌هایی که به آنها می‌دهی بر تو گران نیاید، زیرا آن ذخیره‌ای خواهد بود که از طریق عمران کشورت به تو بازمی‌گرداند و به حکومت تو را زیبایی می‌بخشد و اضافه بر آن از تو به نیکی یاد می‌کنند و به سبب گسترش عدالت از سوی تو در میان آنها (و رضایت آنان از حکومتت) از آنان خرسند خواهی شد» (نامه/۵۳).

### ۳-۴-۲. فن تجارت و صنعت

تجارت و صنعت عوامل توسعه جامعه، رفاه عمومی و قدرتمندی حکومت به‌شمار می‌آیند. حکومتی که به این دو شعبه از اقتصاد اهمیتی در خور و متناسب با شرایط جامعه خود ندهد، در فرایند توسعه و قدرت خود اختلال ایجاد می‌کند. علی(ع) در تقسیم‌بندی هفت‌گانه‌ی خود از گروه‌ها و طبقات اجتماعی، تجار و بازرگانان را در گروه ششم قرار می‌دهد و سفارش‌های اکیدی در باره آنها دارد:

اول این‌که: «درباره تجار و صاحبان صنایع نخست به خودت توصیه کن (که مراقب حفظ و تقویت آنان باشی) و نیز دیگران را به خیر و نیکی با آنان سفارش نما»، آن‌گاه امام به گروه‌های مختلف تجار و صاحبان صنایع اشاره می‌کند: «بین بازرگانانی که در مراکز تجاری اقامت دارند و یا آن‌ها که سیار و در گردش‌اند و نیز صنعتگران و کارگرانی که با نیروی جسمانی خود به کار می‌پردازند، تفاوت مگذار، زیرا آن‌ها منابع اصلی منفعت (مردم) و اسباب آسایش (جامعه) هستند و مال‌التجاره‌های مفید را از سرزمین‌های دور دست، از صحرا و دریا و سرزمین‌های هموار و ناهموار محل حکومت تو و از مناطقی که عموم مردم با آن سروکاری ندارند و (حتی) جرأت رفتن به آن را نیز در خود نمی‌بینند، گردآوری می‌کنند، زیرا آن‌ها (بازرگانان، پیشه‌وران و صنعتگران) مردم سالمی هستند که ترسی از ضرر آنها وجود ندارد و صلح‌دوستانی هستند که ترسی از خیانت و نیرنگ آنها نیست» (نامه/۵۳).

بازرگانان نقش تعدیل اقتصادی را در کشورهای جهان و در شهرهای مختلف یک کشور دارند و آن‌ها که برای این کار به نقاط دور و نزدیک می‌روند گاه حتی جان خود را نیز به خطر می‌اندازند. اگرچه آن‌ها به‌دنبال منافع خود هستند؛ ولی در کنار تأمین منافع شخصی یک منفعت بزرگ اجتماعی برای مردم یک کشور یا کشورهای مختلف جهان دارند. آن‌ها به محض این‌که احساس کنند فلان جنس در فلان منطقه نسبت به منطقه دیگر ارزان‌تر است به سوی آن منطقه هجوم می‌آورند و اجناس اضافی آن منطقه را به منطقه‌ای که آن جنس کمیاب است می‌برند تا سودی کسب کنند؛ ولی این سود انگیزه‌ای برای بهره‌مندی هر دو نقطه می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۵۰-۵۱).

علی(ع) در دستور دیگری به مالک درباره بازرگانان و صنعت گران می‌نویسد: «کارهای آنها را پیگیری کن و سامان بده چه آنها که در حضور تو (و مرکز فرمانداریت) زندگی می‌کنند و چه آنها که در گوشه و کنار کشور هستند و بدان با تمام آنچه گفتم در میان آنها تعداد زیادی به شدت تنگ‌نظر، بخیل، احتکارکننده مواد مورد نیاز مردم و اجحاف کننده در تعیین قیمت‌ها هستند و این‌ها باعث زیان برای توده مردم و موجب عیب و ننگ زمامدارانند»، همچنین در زمینه مسائل اقتصادی دستور می‌دهد که: «باید معاملات با شرایط آسان صورت گیرد؛ با موازین عدل و نرخ‌هایی که نه به فروشنده زیان رساند و نه به خریدار و هرگاه کسی بعد از نهمی تو از احتکار دست به چپین کاری بزند او را کیفر بده؛ ولی هرگز در مجازات زیاده‌روی نکن» (نامه/۵۳).

#### ۴. فنون برسازی دگری<sup>۱</sup> (غیریت‌ساز)

درک ما از خود، محصولی اجتماعی است که در ارتباط با دیگران شکل می‌گیرد. به این صورت که ما خود را در آینه دیگران می‌یابیم. به همین دلیل است که شناخت دیگری و پی‌بردن به ویژگی‌های او برای بسیاری از متفکران اهمیت داشته است. اگرچه علی(ع) در دوران حکمرانی خود با غیرهایی چون (بیعت‌شکنان ناکثین) و خوارج (مارقین) نیز درگیر بوده؛ اما اصلی‌ترین رقیب سیاسی علی(ع) قاسطین (ستمگران) یا امویان به سرکردگی معاویه بودند. علی(ع) نامه‌نگاری‌های متعددی با معاویه دارد. ایشان در نامه‌های خود خطاب به معاویه فنون او را شالوده‌شکنی می‌کند و رویه خود را که رو در روی معاویه تعریف می‌شود، مشخص می‌سازد. از جمله این فنون، می‌توان به: سیاست ماکیاولستی، خودکامگی، نداشتن منطق و استدلال درست، دماغوژی (عوام فریبی) و جنگ‌طلبی اشاره کرد.

#### ۴-۱. سیاست ماکیاولستی

امویان که در روز فتح مکه آخرین سال‌های حیات پیامبر(ص) و برای حفظ جان‌شان اسلام آورده بودند، اعتقاد چندانی به اسلام نداشتند و از نام اسلام برای رسیدن به اهدافشان استفاده کردند؛ و به‌عنوان رقیب علی(ع) وارد میدان سیاست شدند. از طرفی اتهام قتل عثمان؛ که از امویان بود بهانه‌ای شد تا این رقابت آغاز شود «اما جواب پرگویی تو نسبت به عثمان و کشندگان او آن است که تو عثمان را هنگامی یاری دادی که انتظار پیروزی او را داشتی و آنگاه که یاری تو به سود او بود او را خوار گذاشتی» (نامه/۳۷). همچنین بعد از جنگ جمل علی(ع) در جواب نامه‌ای که معاویه برای او فرستاده بود؛ حق‌ناپذیری و فریب‌کاری‌های معاویه را به خود او تذکر می‌دهد: «اما بعد از حمد و ثنای الهی زمان آن فرا رسیده است که تو از مشاهده حقایق روشن با چشم بینا بهره‌مند گردی و ادعاهای باطل خود را کنار بگذاری، ولی تو همان مسیر گذشتگان خود را با ادعاهای باطل و ورود در دروغ و فریب‌افکنی و اکاذیب می‌پیمایی و آنچه بالاتر از شأن توست به خود نسبت می‌دهی و به آنچه به آن نباید بررسی و شایسته آن نیستی دست

1. Other (غیر، غیریت)

می‌افکنی» و علی(ع) دلیل این ادعای باطل را چنین بیان می‌کند: «همه این کارها برای فرار از حق و انکار چیزی بود که پذیرش آن از گوشت و خونت برای تو لازم‌تر بود و نیز برای این بود که از چیزی که گوش تو شنیده و سینه‌ات از آن پر شده فرار کنی» (نامه/۶۵). توجیه وسیله با استناد به هدف، دروغ و فریب‌کاری فتونی بودند که معاویه در رقابت با علی(ع) به کار می‌گرفت «به خدا! معاویه از من سیاستمدارتر نیست؛ اما معاویه حيله‌گر و جنایت‌کار است. اگر نیرنگ ناپسند نبود، من زیرک‌ترین افراد بودم، ولی هر نیرنگی گناه و هر گناهی نوعی کفر و انکار است. روز رستاخیز در دست هر حيله‌گری پرچی است که با آن شناخته می‌شود. بخدا! من با فریبکاری غافلگیر نمی‌شوم و با سختگیری ناتوان نخواهم شد» (خطبه/۱۹۱). این جملات این معنی را می‌رساند که سیاست مطلوب، اگرچه واقع‌گراست ولی به دلیل پای‌بندی به ارزش‌ها و هنجارها، خدعه‌گر و فریب‌کار نیست.

#### ۴-۲. خودکامگی<sup>۱</sup>

معنای لغوی حکومت عبارت است از داوری، قضاوت، فرمانروایی؛ اما نکته این‌جاست که؛ هرگونه که حکومت فهمیده شود، به تناسب آن دریافت رفتار حکومتی شکل می‌گیرد. اگر معنای حکومت تجبر، سلطه و تحکم باشد؛ رفتارهای سلطه‌گرانه و مستبدانه در رفتار و مناسبات ظهور می‌یابد و اگر به مفهوم مشارکت، خدمت باشد، رفتارهای و مناسبات مسئولانه‌ای را به دنبال دارد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷: ۴۱)؛ اما تاریخ بشر پیوسته شاهد دریافت مفهومی سلطه‌گرانه از حکومت بوده است و حکومت از مفهوم واقعی خود دور شده است (باباپور، ۱۳۸۰: ۳۸). شیوه حکمرانی‌ای که معاویه آن را اجرا می‌کرد خودکامگی بود و علی(ع) از این شیوه انتقاد می‌کند. بعد از بیعت مردم با علی(ع)، ایشان در قالب نامه و با استدلال بر موضوعی که خود معاویه ظاهراً آن را پذیرفته بود؛ یعنی بیعت مردم با علی(ع)، سعی در مجاب کردن او و در واقع افشای شیوه حکومت غیراسلامی‌اش را دارد. زیرا علی(ع) با شیوه سه خلیفه پیش از خود یعنی بیعت مردم روی کار آمده بود و معاویه نیز این شیوه را ظاهراً قبول داشت: «بیعتی که مردم در مدینه با من کردند برای تو که در شام بودی الزام‌آور است»؛ سپس می‌افزاید: «همان کسانی که با ابوبکر و عمر و عثمان بیعت کردند با همان شرایط با من بیعت کردند، بنابراین نه حاضران اختیار فسخ یا مخالفت با آن را دارند و نه کسی که غایب بوده حق رد کردن آن را دارد» (نامه/۶)؛ «بیعت برای حکمران یک بار بیشتر نیست و تجدیدنظر در آن میسر نخواهد بود و کسی اختیار از سر گرفتن آن را ندارد. آن‌کس که از این بیعت عمومی سرباز زند، طعنه‌زن و عیب‌جو خوانده می‌شود و آن‌کس که نسبت به آن دو دل باشد، منافق است» (نامه/۷)؛ اما معاویه تا آن‌جا پیش رفت که حکومتش را موروثی اعلام کرد و خلافت اسلامی را تبدیل به پادشاهی کرد، علاوه بر این برای اینکه قدرتش را حفظ کند اندیشه جبرگرایی را ترویج داد. در صورتی که این شیوه حکومت خودکامه در تقابل با حکومت اسلامی است.

۱. عبارت است از حکومت مطلقه یک فرد یا گروه بدون این‌که ملازم رضایت مردم باشد.

#### ۳-۴. نداشتن منطق و استدلال درست

علی(ع) در جواب یکی از نامه‌های معاویه سخنان او را اساطیری و خالی از عقل و دانش می‌خواند زیرا به گفته علی(ع) چیزی را درخواست می‌کند که لیاقتش را ندارد: «نامه‌ای از تو به من رسید که پر بود از یک سلسله پشت هم‌اندازی و سخنان بی‌محتوا و در آن از صلح و سلامت خبری نبود. در اساطیر و سخنان افسانه‌گونه‌ها هیج اثری از دانش و عقل به چشم نمی‌خورد»؛ و در ادامه بیان می‌کند: «تو همچون کسی هستی که در زمینی سست و صعب‌العبور فرو رفته و یا همچون کسی که در دخمه‌های تاریک زیرزمینی راه خود را گم کرده است و می‌خواهی به نقطه‌ای برسی که (از مرتبه‌ها بسیار برتر و) رسیدن (به آن) دشوار و نشانه‌هایش ناپیداست؛ مقامی که عقابان بلندپرواز را یارای صعود به آن نیست و هم‌طراز ستاره عیوق است»؛ و به معاویه هشدار می‌دهد: «پناه به خدا می‌برم از این که که تو پس از من سرپرست و پیشوای مسلمانان باشی و امور آنها را سامان دهی و یا این که من در این باره برای تو نسبت به (سرپرستی) یک تن از آنان قرارداد و عهده امضا کنم» (نامه/۶۵).

#### ۴-۴. فزون‌خواهی و اشرافی‌گری

علی(ع) در نامه‌ای به معاویه او را نسبت به حرص و دنیاطلبی هشدار می‌دهد و چهار نکته را به او گوشزد می‌کند:

اول این که: «دنیا انسان را به خود مشغول و از غیر خود غافل می‌کند، دوم: دنیاپرست به چیزی از دنیا نمی‌رسد جز آن که دنیا دری از حرص را به رویش باز می‌کند و آتش عشق او را به دنیا تندتر می‌کند درحالی که دنیاپرست هرگز به آن چه دارد در برابر آن چه به آن نرسیده قانع نیست (و دائماً در آتش حرص می‌سوزد)، سوم این که: و به دنبال آن جدایی از اموالی است که گردآوری کرده است. در پایان به او توصیه می‌کند که عبرت‌آموز باشد: اگر از آن چه (در داستان پیشینیان و در گذشته عمر خودت) وجود داشته است عبرت‌گیری آن چه را باقی است حفظ خواهی کرد» (نامه/۴۹).

#### ۵-۴. دماغ‌گوزی<sup>۱</sup> (عوام‌فریبی)

علی(ع) در نامه‌ای به معاویه به او هشدار می‌دهد که در گمراهی است و دیگران را نیز به گمراهی سوق می‌دهد. «ای معاویه گروه بسیاری از مردم را به هلاکت انداختی و با گمراهی خود آنها را فریب دادی و در امواج دریای (فتنه و فساد) خود انداختی به گونه‌ای که تاریکی‌ها آنها را فرا گرفت و امواج شبهات آنان را به تلاطم انداخت»؛ و به نتیجه این نیرنگ‌ها اشاره می‌کند: «این سبب شد که آنها از حق برگردند و به دوران گذشته (جاهلیت) روی بیاورند به حق پشت کنند و (همچون عرب جاهلی) به حسب‌ونسب و تفاخرات قومی تکیه نمایند» (نامه/۳۲).

۱. (demagogie) به معنای عوام‌فریبی و مردم‌فریبی به کار می‌رود، یعنی بهره‌گیری نادرست از احساسات و تعصب‌های عامه است.

همچنین علی(ع) در جواب ادعای خونخواهی عثمان صراحتاً به معاویه اعلام می‌کند که مقصر واقعی قتل عثمان خود اوست و چون حمایت عثمان به نفعش نبوده از او حمایت نکرده است؛ و اکنون خونخواهی عثمان را بهانه قرار داده تا از این فرصت برای گمراه کردن مردم استفاده کند و آنها را برای به راه انداختن جنگ علیه علی(ع) با خود همراه کند؛ «کار من با عثمان را بیادم آوردی، تو باید پاسخ بدهی که از خویشاوندان او هستی، راستی کدام یک از ما دشمنی‌اش با عثمان بیشتر بود؟ و راه را برای کشندگانش فراهم کرد؟ آن کس که به او کمک کرد و از او خواست به کار مردم برسد؟ یا آن کس که وقتی عثمان از او کمک خواست، دریغ کرد و به انتظار نشست تا مرگش برسد؟ ... من ادعا ندارم که در مورد بدعت‌های عثمان، به او انتقاد نکردم، بلکه نکوهشش می‌کردم و از این پشیمان و عذرخواه نیستم، اگر گناه من ارشاد و هدایت عثمان است، پس کسانی که باید سرزنش شوند زیادند درحالی که بی‌گناهند؛ و ناصحانی که در پند و اندرز دادن مورد تهمت قرار گیرند بسیارند. من قصدی جز اصلاح تا نهایت توانایی خود ندارم» (نامه/۲۸).

#### ۴-۶. جنگ طلبی

اکثر نامه‌هایی که علی(ع) به معاویه نوشته است برای بازداشتن معاویه از جنگ؛ و دعوت او به صلح است؛ و در برخی موارد صراحتاً این موضوع را بیان می‌کند: مثلاً وقتی دو سپاه در محلی به نام صفین صف‌آرایی کرده بودند باز علی(ع) سفیرانی را برای مذاکره با معاویه می‌فرستد، از جمله صعصعه بن صوحان را نزد معاویه می‌فرستد. سفیر علی(ع) به معاویه اعلام می‌کند که ما برای جنگ با شما راغب نیستیم و آمده‌ایم تا اول حجت را تمام کنیم ولی لشکر شما آب را بسته‌اند، دستور بده تا آب را رها کنند و از جنگ دست بردارند تا فرصتی برای تفاهم به وجود بیاید؛ اما معاویه پس از مشورت جواب رد داد. «معاویه، چه زیاد به گمراهی همیشگی‌ات وابسته‌ای، حقیقت را نابود کرده‌ای و پیمان‌ها را شکسته‌ای، پیمان‌هایی که خواست خدا و حجت خدا بر بندگان او بود» (نامه/۳۷).

اما باز علی(ع) هیأتی سه نفره از صحابه و بزرگان را فرستاد تا معاویه را به اطاعت و اتحاد دعوت کند ولی معاویه خون عثمان را بهانه کرد و با تندی آنها را اخراج کرد و جنگ صفین با حمله سپاه معاویه آغاز شد.

#### نتیجه‌گیری

این پژوهش با استفاده از تکنولوژی‌های قدرت که جنبه‌های اجرایی و به‌گونه‌ای سیاست در عمل محسوب می‌شود به واکاوی متن نامه‌های نهج‌البلاغه پرداخته است تا برای این منظور فنون و چگونگی اعمال قدرت در حوزه‌های مختلف سیاست از جمله؛ چگونگی رفتار با کارگزاران حکومت، شیوه تنظیم بیت‌المال (اقتصاد)، چگونگی رفتار با توده مردم، جایگاه و نقش نظامیان و سپاهی‌گری در حکومت و مواجهه با رقیب مورد بررسی قرار گرفته است. در پژوهش حاضر، فنون موردنظر به سه گروه: فنون مطلوب، فنون غیربیت ساز و فنون جایگاهی تقسیم‌بندی شده‌اند.



جدول ۲: فنون حکمرانی عمی امام علی(ع)

فنون حکمرانی	فنون مطلوب	فنون غیریت گرا	فنون جایگاهی
تعریف	خودی، تکنیک‌های متعالی امر سیاسی	فنون دیگری، فنون رودررو	متناسب با جایگاه و نقش افراد
شاخص‌های درونی	عدالت آزادی و برابری انسان‌ها	نقد رویکرد ماکیاولستی	خدمت به مردم
نمونه عینی	نامه به مالک اشتر	نامه به معاویه	نامه به کارگزاران حکومتی

علی(ع) دغدغه‌ای جز مردم نداشته است؛ مدارا با مردم، حتی اگر با علی(ع) دشمن هستند؛ و رعایت حق و حقوق آنها تا جایی که بزرگ‌ترین حق را حق والی و زمامدار بر رعیت و حق رعیت بر والی معرفی می‌کند و انتخاب شایسته‌ترین کارگزاران، همراه با دستورات و توصیه‌های کاربردی و اکید به آنها تا به بهترین وجه خادم مردم باشند.

۱- علی(ع) در مدت کوتاه فنونی را به اجرا گذاشت که تا امروز مورد توجه سیاستمداران و سیاست‌پیشگانی است که تلاش می‌کنند آرمان‌ها را با واقعیات تلفیق کنند. علی(ع) با کاربرد فنون قدرت، آشنایی و تسلط خود بر فرمانروایی را به‌عنوان حکمرانی واقع‌گرا به نمایش گذاشت.

۲- نهایت آن که بررسی نامه‌های نهج‌البلاغه محقق را به این نتیجه می‌رساند که شیوه حکمرانی امام دارای فنون، نهادها و رویه‌ها ایست که در اندیشه سیاسی شیعه می‌توان به‌عنوان حکومت‌مندی از آن بهره گرفت.

## منابع

- اسلامی، روح‌الله. (۱۳۹۲). «تکنولوژی‌های قدرت در سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک» **جستارهای سیاسی معاصر**. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال چهارم، شماره چهارم، ۱-۲۶.
- باباپور، محمدمهدی. (۱۳۸۰). **درآمدی بر سیاست و حکومت در نهج‌البلاغه**. قم: تهذیب.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۵). **ترجمه نهج‌البلاغه**. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۷۷). **حکومت حکمت: حکومت در نهج‌البلاغه**. تهران: خانه اندیشه جوان.
- ----- (۱۳۸۷). **دولت آفتاب: اندیشه سیاسی و سیره حکومتی علی(ع)**. تهران: دریا.
- ----- (۱۳۸۸). **حکومت و مدیریت در عهدنامه مالک اشتر**. تهران: دریا.
- رشید گزکوه، علی‌اصغر. (۱۳۸۰). **سلوک مدیریت از دیدگاه امیرالمؤمنین**. تهران: شرکت عمران و بهسازی.
- فوکو، میشل. (۱۳۹۱). **تئاتر فلسفه**. ترجمه: نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۰). **پیام امام امیرالمؤمنین؛ شرح جامع و تازه‌ای بر نهج‌البلاغه**. جلد ۱۱، قم: انتشارات امام علی بن ابی‌طالب(ع).
- ----- (۱۳۹۰). **پیام امام امیرالمؤمنین؛ شرح جامع و تازه‌ای بر نهج‌البلاغه**. جلد ۱۰، قم: انتشارات امام علی بن ابی‌طالب(ع).
- ----- (۱۳۷۹). **پیام امام امیرالمؤمنین، شرح نهج‌البلاغه**. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
- موسوی، محمد. (۱۳۸۴). **دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام**. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- های کالین. (۱۳۹۲). **درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی**. ترجمه احمد گل محمدی، چاپ سوم، تهران: نی.